دستور ۹ ربیع الاوّل ۱۴۲۰ (۱۳۷۸/۴/۲)

حضرت حاج دکتر نورعلی تابنده گنابادی مجذوب علیشاه ارواحنا فداه

بسم الله الرّحمن الرّحیم

خدمت برادران مکرّم در ایران و خارج عرض سلام دارم و چون در این ایام بنا بر دعوت فقرای کانادا و وعده‌ای که در سفر پاریس به خانوادهٔ حضرت آقای محبوبعلیشاه قُدِّسَ سِرُّهُ داده بودم، عازم مسافرت به کانادا هستم بدین وسیله از همه خداحافظی می‌کنم و التماس دعا دارم، امیدوارم توفیق زیارت مجدّد شما را هم داشته باشم و در غیبت من همواره اخبار مبنی بر سلامت و شادکامی اخوان به من برسد. طبق فرمایش حضرت صادق(ع) خطاب به شیعیان که فرمودند: **کُونُوا لَنا زَیناً وَ لا تَکوُنوُا لَنا شَین**[1] امیدوارم همهٔ ما بتوانیم این دستور حضرت را اجرا کنیم تا در روز بازخواست که ارواح ما به زیارت آن بزرگواران نائل می‌شود، شرمنده نباشیم. نکاتی را یادآوری می‌شوم که غالب این مطالب در گذشته به صورتهای مختلف چه در ضمن صحبت و چه ضمن کتب یا دستورالعملهای کتبی مکرّر بیان شده است ولی یادآوری آن مهم است زیرا: **اِنَّ الذِّکْری تَنْفَعُ لمُؤْمِنینَ**[2].

۱. فقرا به مصداق:

متّحد جانهای شیران خداست جان گرگان و سگان از هم جداست

وجود واحدی هستند و از لحاظ ظاهر هم **کَاَنَّهُمْ بُنْیانٌ مَرْصُوصٌ**[3] خواهند بود بدین منظور و برای تقویت این روحیه، شرکت در مجالس فقری بسیار مفید است، بنابراین از اخوان تقاضا می‌شود، سعی کنند در مجالس حضور یابند و در نماز جماعت شرکت کنند و فیض ببرند.

۲. احترام مشایخ، مجازین، پیش کسوتان از موجبات استحکام عقیدتی است و به مصداق ایات قرآن و سنّت پیامبر اکرم صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ، کسانی که تقدّم ایمانی دارند عَلَی القاعده از این حیث نقطهٔ مثبت و مزیتی خواهند داشت البته گاهی هم این طفل یک شبه ره صد سال می‌رود که در آن صورت هم باز باید به احترام سابقهٔ درویشی، احترام قُدَما، مشایخ و مجازین را رعایت کنند.

۳. توجّه داشته باشید که بزرگان و اقطاب، روحشان همیشه متوجّه ما هست و آنچه به یاد آنان از عمل خیر و حتّی دعا انجام دهیم، به حساب می‌آورند و عنایت دارند لذا ما برای جلب محبّت و شفاعت آنان باید از هرگونه تجلیلی نسبت به آنان خودداری نکنیم. آنان همیشه زنده‌اند، زیرا: هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق. بنابراین در مجالس یادبود و تجلیل از رفتگان نیز مرتّباً شرکت کنید و خوشبختانه این روحیهٔ همکاری و وحدت در همه هست و موجب افتخار ماست. در مجالسی که، بعد از تذکّر، اطعام می‌شود مشاهده می‌کنیم که همه با طیب خاطر، خدمت می‌کنند. البته باید توجّه داشته باشید که این خدمتهای خالصانه نباید باعث بی‌نظمی گردد و صحیح آنست که طبق دستورات مدیر و ناظم این جلسات رفتار شود.

۴. دربارهٔ نظم و انضباط مجالس فقری بارها گفته شده و خوشبختانه غالباً این مجالس با نظم و سکوت توأم است ولی یادآوری این مطلب مفید است که جزئی صحبتی که از سوی هر یک از فقرا بشود باعث حواس پرتی دیگران می‌گردد و این گناه است، در خود مجالس هم آنان که کتاب می‌خوانند همانگونه که قبلاً دستور داده شده باید از اشعار بزرگان سَلَف و مورد قبول همگان مانند سعدی، حافظ، مولوی، عطار و

امثال اینها بخوانند زیرا مشاهده شده است که بعضیها از روی جُنگی که خودشان تهیه کرده و انتخاب نموده‌اند و گویندهٔ آن از عرفاء مشهور و مورد قبول همگان نیست، شعری می‌خوانند که صحیح نیست زیرا این انتخاب برحسب سلیقه، حال و مقام دارندهٔ جُنگ است وممکن است آن حال با دیگران منطبق نباشد ولی اگر به صورت تفأل یا به صورت منظّم از آن کتب خوانده شود، مفید است. در انتخاب اشعار و طرز خواندن آن نیز باید دقّت کنیم مثلاً به هیچ وجه صحیح نیست از تصانیف متداول ولو تصانیف عرفانی باشد، استفاده شود. مجلس فقری جای تصنیف خوانی نیست گو اینکه معانی آنها و آهنگی که دارد، خلاف شرع نباشد ولی چنانچه اشعار آهنگ دار، مورد نظر است از اشعار دیوان شمس انتخاب شود زیرا غزلیات دیوان شمس دارای همه گونه اوزان شعری می‌باشد. به هر جهت اکیداً یادآوری می‌شود که نباید در مجالس فقری اشعار با آهنگهای تصنیفی خوانده شود.

۵. در مجالس فقری فقط کسانی که اذن و اجازهٔ صحبت دارند باید صحبت کنند و سایرین چنین حقّی ندارند بجهت اینکه هرکسی، برداشت خود را که متناسب با حال و مقام خود اوست بیان می‌کند، در صورتی که صحبت در مجالس درویشی باید به نحو عامّ باشد تا به همه سود رساند و منطبق با روحیهٔ همگان باشد. از طرفی دعاهایی که داده شده است و اوراد نماز و امثال آن سعی شود که مرتّب خوانده شود و هیچ کس حق ندارد در این موارد به دیگری دستوری بدهد مگر کسانی که اجازه دارند. اگر کسی به صِرف ادّعای اینکه شفاهاً از یکی از آقایان اقطاب اجازه‌ای گرفته، چنین کاری کند، هم خود خطاکار است و هم دیگران را به خطا وادار کرده است. بنابراین به چنین اشخاصی اصلاً اعتماد و توجّه نکنید و آنان را از دخالت در این مسائل باز دارید. شاید انشاءالله نصیحت اثر نماید.

۶. از مشخصات خاصّ سلسلهٔ ما توجّه به بیداری سحر از طلوع فجر تا طلوع شمس است و این امر متّکی به فرمایشات ائمّه علیهم السّلام است که این استحباب و دستور را بیان فرموده‌اند. در اخبار هم هست که بهترین وقت دعا که امید اجابت می‌رود همین زمان است. در خود قرآن هم از صفات مؤمنین است که: **وَ بِالْاَسْحارِ هُمْ يسْتَغْفِرُونَ**[۴] در سحرها استغفار می‌کنند. استغفار همیشه خوب است تأکید در سحرها برای اهمیت دادن به سحر است و الاّ استغفار که همیشه اهمیت خود را دارد. مسئلهٔ دیگر دقّت در دوام طهارت است، طهارت شرعی، علاوه بر پاکیزگی است، پاکیزگی بسیار خوب است و پیامبر اکرم صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ فرموده است: **اَلنَّظافَةُ مِنَ الْايمانِ**[۵] ولی علاوه بر رعایت پاکیزگی باید فقرا به طهارت شرعی هم مقید باشند، طهارت شرعی عبارتست از: غسل در درجهٔ اوّل که موارد آن در رساله‌ها ذکر شده است و سپس وضو و در مواردی که نشد تیمّم، چون خداوند فرموده است: من در دل بندهٔ مؤمن جای دارم. به این امید و این توسّل که خداوند در دل ما جای بگیرد و ما را مؤمن حساب کند باید همیشه خود را در حضور خداوند بدانیم و مسلّماً این موضوع اقتضاء دارد که همیشه با همان طهارت شرعی باشیم که خداوند دستور داده است. این مسائل را باید فقرای قدیمی دقّت بیشتری کنند و به اطلاع فقرای جدید هم برسانند زیرا این دستور به همه داده شده است، فقط باید تذکّر و یادآوری کرد که به مصداق **اِنَّ الذِّكْرى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنينَ**[۶] مفید واقع شود.

۷. همانطور که در دستورالعملهای قبلی از ناحیهٔ حقیر و بزرگان سَلَف آمده است، درویشی در سیاست دخالت نمی‌کند ولی نه اینکه درویش از فعالیت باز بماند. درویش باید فعّال باشد و دستور این امر را در پند صالح مؤکّداً فرموده‌اند ولی بدانند که درویشی در سیاست دخالت نمی‌کند یعنی به هیچ وجه حقّ ندارند در مجالس درویشی و مواردی که بعنوان جلسهٔ درویشی تشکیل می‌شود نظر خود را بیان کنند و بدتر آنکه این نظر را به عنوان اصول درویشی عرضه کنند که در این صورت، جعل مکرّر است ولی افراد آزادند در خارج از مجالس درویشی به فعالیتهای اجتماعی بپردازند ولی باید توجّه نمایند که تمام این

فعالیتهایشان با نیت **قُرْبَةً اِلَی الله** و خلوص نیت باشد یعنی خدا را در هرکار در نظر داشته و تصمیم بگیرند.

۸. به مصداق:

متّحد جانهای شیران خداست جان گرگان و سگان از هم جداست

مجموعهٔ درویشی باید به عنوان یک واحد تلقّی شود که این جمع، به منزلهٔ جسم و عوالم درویشی، به منزلهٔ روح این جمع می‌باشد. بنابراین همانطور که در بدن دست به پا و پا به چشم و چشم به گوش تهمت و افتراء نمی‌زند فقرا که اعضای یک پیکر هستند حق ندارند به یکدیگر تهمت و افتراء بزنند و حتّی در غیاب برادر دینی خود باید حفظ الغیب او را بنمایند، قرآن فرموده است: **وَ لایغْتَبْ بَعْضُکُمْ بَعْضاً ایحِبُّ اَحَدُکُمْ اَنْ یأکُلَ لَحْمَ اَخیهِ مَیتاً فَکَرِهْتُمُوهُ...**[۷] البته این دستور کلّی است که برای فقرا، لازمُ الْاِتباع است و باید در همهٔ موارد از غیبت و تهمت و افترا خودداری کنند نسبت به همهٔ مردم بخصوص نسبت به برادران ایمانی گناه و وِزر و وِبال آن چند برابر است. این ایه دربارهٔ غیبت است و تهمت و افتراء و بهتان حدّ اعلای غیبت و گناه آن بیشتر و مجازاتش سنگین‌تر است.

۹. همانطور که دستور دارید آنچه را که سِر تلقی می‌شود نباید از آن صحبت کرد چون حالات متعدّد است و مقامات اشخاص متفاوت است و نمی‌توان هر خواب یا کشف و شهودی که برای کسی حاصل می‌شود، آنرا علنی کند و بگوید جز آنکه در موارد ضروری به بزرگان بگوید و از آنها بپرسد. ممکن است یک خواب را دو نفر ببینند و برای هرکدام معنا و تعبیر جداگانه‌ای داشته باشد و بهیچ وجه تعبیر خواب، یک مسئله‌ای نیست که بتوان آنرا در کتاب مدوّن کرد. بسیاری از موارد تعبیر در کتاب نوشته می‌شود ولی آن تعبیر کامل نیست. پس از گفتن خوابها و مشاهدات و حتّی از بیان حالات و سیر روحی خویش با هیچ کس نباید سخن گفت مگر با بعضی از بزرگان بصورت مکتوب یا شفاهاً که اگر محرمانه نبود بصورت عموم و الاّ خصوصی پاسخ گفته خواهد شد. یک جهت ضرری که ممکن است نقل خواب و مشاهدات برای گوینده و دیگران داشته باشد آنست که ممکن است کسانی را که به آن درجه از ادراک نرسیده‌اند، منحرف سازد و یا به گناه وادار کند. نمونهٔ این امر، خواب حضرت یوسف است که در نوجوانی، خواب را به پدر عرض کرد، آن حضرت دستور فرمود خواب را به برادرانت نگو، **لا تَقْصُصْ رُؤْیاکَ عَلی اِخْوَتِکَ**[۸] ولی حضرت یوس(ع) به علّت نوجوانی و عدم توجّه، خواب را به کسی گفت و آن هم به دیگران تا به برادران رسید، هم موجب گرفتاری برای خود حضرت یوسف شد و هم موجب شد که برادران تحت وسوسهٔ شیطان مرتکب گناه گردند.

۱۰. یکی از خصوصیات سلسلهٔ نعمت‌اللّهی که از زمان حضرت شاه نعمت‌الله بیان شده است اشتغال به کسب و کار است. در پند صالح مرقوم فرموده‌اند: دست به کار و دل با یار. بنابراین بیکاری بسیار مضرّ است، هم به جامعه و هم به فقر. البته بیکاری اجباری که از اوضاع اقتصادی امروز در دنیا پیدا شده، گناه آن متوجّه همگی است نه شخص خاصّی. در قرآن می‌فرماید: **ظَهَرَ الْفَسادُ فِی البَرِّ وَ الْبَحْرِ بِما کَسَبَتْ ایْدِی النّاسِ**[۹] در جای دیگر می‌فرماید: **اَوْ یُوبِقْهُنَّ بِما کَسَبُوا وَ یعْفُ عَنْ کثیرٍ**[۱۰]، ولی در چنین حالتی هم باید توجّه داشت که جستجوی کار و اشتغال وظیفهٔ ماست، باید به دنبال کار باشند و این مطلب را در نظر بگیرند که هیچ کار مشروعی، عیب و کسر شأن نیست مگر بزرگان سَلَف چه مشاغلی داشتند. بزرگانی که خاک پای آنها توتیای چشم ماست با کارگری برای مردم، امرار معاش می‌نمودند. بنابراین از کار، ننگ نداشته باشیم، هر کس دنبال کاری باشد اگرچه کارگری ساده‌ای باشد، انجام دهد و وسعت و برکت در شغل و روزی را از خدا بخواهد.

۱۱. مطالعهٔ کتب بزرگان و آثار مذهبی و عرفانی چندین اثر نیک برای فقرا دارد که مهمترین آنها عبارت است از: اوّلاً، عصای دست در راه فقر است، البته باید این مطالعه با قصد و نیت کسب علم و دانش باشد نه به نیت فخر فروشی و مجادله با دیگران، ثانیاً سود دیگر آن است که به مصداق: **وَ اَعِدُّوا لَهُمْ مَا سْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِباطِ الْخَیلِ**[۱۱] لازم است ما از هر جهت به تمام سلاحهایی که احیاناً ممکن است دشمنان فرضی ما در اختیار داشته باشند، مجهز باشیم که مهمترین این سلاحها، اسلحهٔ علم و دانش است، بنابراین مطالعهٔ کتب عرفا و حتّی کتب علمی با دقّت کامل و نیت اطاعت از خدا و خدمت به دیگران مفید است باید از این حیث کتابخانه‌ها مملوّ از جمعیت فقرا باشد.

۱۲. حضرت صادق(ع) به بعضی از شیعیان که به زیارت آن حضرت آمده بودند، فرمودند: **کوُنُوا لَنا زَیناً وَ لاٰ تَکوُنُوا لَنا شَیناً** آبروریز ما نباشید بلکه باعث آبروی ما باشید البته آبروی آن بزرگان چیزی نیست که ما آنرا کم و زیاد کنیم ولی منظور ایشان این است که روشی در زندگی بکار ببرید که تمام اطرافیان شما بتوانند شما را مدل و اُسوه قرار دهند بدیهی است چنین روشی باعث هدایت آنها به راه حق می‌شود که در این صورت به مصداق **مَنْ یشْفَعْ شَفاعَةً حَسَنَةً یکُنْ لَهُ نَصیبٌ مِنْه**[۱۲]. شما نیز از این ثواب هدایت بهره‌ای خواهید داشت ولی اگر خدای نکرده رفتار شما به نحوی باشد که دیگران را از راه حق گریزان کند و از هدایت باز دارد. گناه این امر، دامن شما را نیز خواهد گرفت که به دنبال آن ایه فرمود: **وَ مَنْ یشْفَعْ شَفاعَةً سَیئَةً یکُنْ لَهُ کِفْلٌ مِنْه**[۱۳]. بنابراین در هر شغل، وظایف مخصوص آن شغل را رعایت کنید. مثلاً در کسب، رعایت انصاف و خودداری از کم فروشی و گران فروشی را بنمایید و خوش رفتاری با مراجعین مهمّ است و حتّی در مواردی که کسی تنگدست است به او کمک کنید. آنکه اهل کار اداری است در امور اداری، رعایت کامل امانت را انجام داده و هر مراجعه کننده‌ای را برادر یا پدر یا فرزند خود بداند و همیشه در این مراجعه خود را به جای او تصوّر کنید و آنچه توقّع هست، در صورت امکانات برآورده سازید، رعایت قانون را هم در همهٔ موارد کاملاً بفرمائید.

۱۳. به مصداق دستورالعمل قرآن: **اِذاٰ تَداٰینْتُمْ بِدَینٍ اِلی اَجَلٍ مُسَمّی فَاکْتُبُوهُ...**[۱۴] هر معامله‌ای که نمودید مسلماً باید نوشته شود و تمام اطراف و جوانب آن را با دقّت تمام بنویسید اگر چه این ایه را غالب مفسّرین دستور مستحبّی می‌دانند ولی چون در آخر این ایه می‌فرماید: **اِلاّٰ اَنْ تَکوُنَ تِجارَةً حاضِرَةً تُدیرُونَها بَینَکُمْ فَلَیسَ عَلَیکُمْ جُناحٌ اَلاّٰ تَکْتُبُوها** اگر معاملهٔ معمولی بود، گناهی بر شما نیست که آن را ننویسید، بنظر می‌رسد در سایر موارد اگر ننویسید بر شما حَرَج و گناه هست علیهذا از لحاظ احتیاط به این دستورالعمل رفتار کنید. فرموده‌اند: کسی که خود، کاری را کرده و برای او گرفتاری بوجود آمده و در آن امر رعایت دستور الهی را ننموده است، دعای چنین شخصی برای رفع مشکل پذیرفته نمی‌شود و می‌گویند وقتی کسی به دیگری قرضی داد، و یا وعده‌ای داد و ننوشت، اختلافاتی که پیدا شد و زیان نمود، خداوند دعای چنین شخصی را برای رفع اختلاف قبول نمی‌کند زیرا این معامله با عدم توجّه به امر الهی انجام شده است. به علاوه در چنین حالتی آن دو نفری که با هم در ارتباط بوده‌اند و این ارتباط مبتنی بر دوستی بوده است بعد از این، دوستی آنها به دشمنی تبدیل و بین آنها کدورت ایجاد می‌شود.

۱۴. فرموده‌اند: ازدواج نصف دین و در بعضی روایات ثلث دین را حفظ می‌کند. خود ازدواج امر بسیار خوب و باید مورد توجّه قرار بگیرد. همانطور که بیکاری مذموم است، تجرّد هم ناپسند است البته باید در انتخاب همسر دقّت نمود و مشکلات اقتصادی را نباید مانعی برای ازدواج قرار داد. علّت بسیاری از ازدواجها که خواستگاری می‌شود ولی سر نمی‌گیرد یا فرار از ازدواجها، مسائل مالی است زیرا هر یک از طرفین می‌خواهند که در همان اوّل مثلاً کاخی داشته باشند و دارای تمام وسائل راحت زندگی باشند ولی این

موضوع را توجّه بنمائید که قبل از ازدواج، مرد و زن زندگی خود را اداره می‌نموده‌اند در هنگام تصمیم به ازدواج اگر با صمیمیت و با حسن نیت و صداقت، امکانات خود را به هم عرضه کنند و دچار تظاهر به ثروت و امثال اینها نشوند از هم انتظار زیادتر از واقعیت، نخواهند داشت زیرا اگر مرد یا زن قبل از ازدواج، غذای ساده‌ای می‌خورده‌اند بعد از ازدواج دو نفری و در کنار هم به همان اکتفاء می‌کنند و زن به زندگی ساده و به دور از تشریفات، رضایت بدهد و هرگز زیاده طلبی مالی نداشته باشد، ضمناً مرد، گذشته از وظیفهٔ کار و تأمین معاش خانواده، وظیفهٔ حسن سلوک هم با زن و فرزند دارد که در قرآن فرموده است: **وَ لَهُنَّ مِثْلُ الَّذی عَلَیهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ**[15] یعنی آنچه از نیکیها گفته‌ایم برای زن هم مثل مرد در زندگی خانوادگی وجود دارد مرد باید تمام وقت خود را تقسیم کند، مدّتی را بعنوان کار بگذراند ولی ساعاتی را باید در داخل خانواده با زن و فرزند باشد و انجام عبادات مستحبّی و حتّی آمدن منظم به مجالس فقری نباید به آن اندازه‌ای باشد که شخص را از انجام وظایف خانوادگی باز دارد در این صورت آن ساعاتی را هم که به آن وظایف و مستحبّات انفرادی می‌پردازد بر همسر او گوارا است، مشاهده شده است که در اثر عدم رعایت این مطلب بسیاری از خانواده‌ها متلاشی شده است و سعی کنند موجبات طلاق و جدائی فراهم نشود و تا بتوانند هرگز دنبال این مسئله نروند. پیغمبر صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ فرمود: **اَبْغَضُ الأشْیاءِ عِنْدی اَلطَّلاقْ**[16] زن و شوهر فکر کنند اگر الآن مشکلاتی دارند که بخاطر آن می‌خواهند، طلاق واقع شود، اگر طلاق واقع شد و جدا از هم زندگی کردند، آن مشکلات وجود ندارد ولی ایا تصوّر نمی‌کنند که مشکلات جدیدی صد درجه بدتر از مشکلات قبلی به سراغ آنها خواهد آمد حتماً بعد از چنین طلاقی، صحبتهای متفرّقه دربارهٔ طرفین می‌شود و سرنوشت فرزند و اینکه فرزند در هر سنّی باشد با پدر یا مادر یا هر دو، نگرانی خواهد داشت و همچنین زن و مردی که تاکنون با هم دوست و صمیمی بودند بعد از طلاق دشمن خواهند بود، بنابراین سعی کنید از طلاق گریزان باشید. امیدوارم موفق باشید. انشاءالله

۱. زَین ما باشید و شَین ما نباشید.

۲. سورهٔ ذاریات، ایهٔ ۵۵. همانا یادآوری به مؤمنان سود دهد.

۳. سورهٔ صف، ایهٔ ۴. گوئیا ایشان بنیانی استوار ساخته شده هستند.

۴. سورهٔ ذاریات، ایهٔ ۱۸.

۵. پاکیزگی از ایمان است.

۶. سورهٔ ذاریات، ایهٔ ۵۵. همانا یادآوری به مؤمنان سود دهد.

۷. سورهٔ حجرات، ایهٔ ۱۲. و برخی از شما زشت نستایند برخی را (از یکدیگر غیبت نکنید). ایا دوست دارد یکی از شما گوشت مردهٔ برادر خویش را بخورد. پس از آن بیزارید و بدتان می‌اید.

۸. سورهٔ یوسف، ایهٔ ۵. خواب خودت را به برادرانت مگو.

۹. سورهٔ روم، ایهٔ ۴۱. بدآنچه دستهای مردم کسب کردند فساد در خشکی و دریا پدیدار شد.

۱۰. سورهٔ شورا، ایهٔ ۳۴. یا نابودشان کند بدآنچه کسب کردند و از بسیاری درگذرد.

۱۱. سورهٔ انفال، ایهٔ ۶۰. و هر چه توانید برای ایشان از نیرو و از دسته‌های اسب(سوار)ان آماده کنید.

۱۲. سورهٔ نساء، ایهٔ ۸۵. کسی که شفاعت نیکی کند او را از آن بهره‌ای است.

۱۳. دنبالهٔ همان ایه. و کسی که شفاعت بدی کند او را از آن بهره‌ای است.

۱۴. سورهٔ بقره، ایهٔ ۲۸۲. **یا ایهَا الَّذینَ اٰمَنُوا اِذاٰ تَداٰینْتُمْ بِدَینٍ اِلی اَجَلٍ مُسَمّی فَاکْتُبُوهُ وَلْیکْتُبْ بَینَکُمْ کاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَ لایأبَ کٰتِبٌ اَنْ یکْتُبَ کَماٰ عَلَّمَهُ اللهُ فَلْیکْتُبْ وَلْیمْلِلِ الَّذی عَلَیهِ الْحَقُّ وَلْیتَّقِ اللهَ رَبَّهُ وَ لاٰ یبْخَسْ مِنْهُ شَیئاً فَاِنْ کانَ الَّذی عَلَیْهِ الْحَقُّ سَفیهاً اَوْ ضَعیفاً اَوْ لاٰ یسْتَطیعُ اَنْ یمِلَّ هُوَ فَلیمْلِلْ وَلِیهُ بِلْعَدْلِ وَ اسْتَشْهِدُوا شَهیدَینِ مِنْ رِجالِکُمْ فَاِنْ لَمْ یکُونا رَجُلَینِ فَرَجُلٌ وَ امْرَاَتاٰنِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَداءِ اَنْ تَضِلَّ اِحْدیهُما فَتُذَکِّرَ اِحْدیهُمَا الْاُخْری وَ لایأبَ الشُّهَداٰءُ اِذاٰ ما دُعُوا وَ لاٰ تَسئَمُوا اَنْ تَکْتُبُوهُ صَغیراً اَوْ کَبیراً اِلی اَجَلِه ذٰلِکُمْ اَقْسَطُ عِنْدَ اللهِ وَ اَقْوَمُ لِلشَّهادَةِ وَ اَدْنی اَلّاٰ تَرْتابُوا اِلاّٰ اَنْ تَکوُنَ تِجارَةً حاضِرَةً تُدیرُونَها بَینَکُمْ فَلَیسَ عَلَیکُمْ جُناحٌ اَلاّ تَکْتُبُوها وَ اَشْهِدُوا اِذاٰ تَباٰیعْتُمْ وَ لاٰ یضارَّ کاٰتِبٌ وِ لاٰ شَهیدٌ وَ اِنْ تَفْعَلوُا فَاِنَّهُ فُسُوقٌ بِکُمْ وَاتَّقُوا اللهَ وَ یعَلِّمُکُمُ اللهُ وَ اللهُ بِکُلِّ شَیٍٔ عَلیمٌ.** ای کسانی که ایمان آوردید هرگاه به نسیه تا سررسید معین معامله کردید پس بنویسید آن را و باید نویسنده‌ای میان شما به عدل بنویسد و نویسنده نباید از نوشتن خودداری کند بدانسان که خدا او را بیاموخته است پس بنویسد و املاء کند کسی که حق بر او هست و از خدا پروردگار خویش بترسد و از آن چیزی نکاهد و اگر آن کس که حق بر او است کم خرد یا ناتوان بود یا نتوانست املاء کند پس ولی او به عدل املاء کند و دو گواه از مردان خویش و اگر دو مرد نبود پس یک مرد و دو زن از گواهانی که از آنان راضی هستید را شاهد گیرد تا چون یکی فراموش کند دیگری بیاد آردش و گواهان هرگاه خوانده شدند خودداری نکنند و از نوشتن خرد یا کلان آن تا سررسیدش خسته نشوید این نزد خدا دادگرانه‌تر و برای گواهی استوارتر و نزدیکتر بدآنکه شک نیارنده است مگر آنکه داد و ستدی جاری باشد که دست به دست میان خودتان است که ننوشتن آن بر شما گناهی نیست و هنگامی که معامله می‌کنید گواه بگیرید و نه نویسنده و نه شاهد ضرر نرسانید و اگر برسانید همانا آن نافرمانی از شما است و تقوا پیش گیرید تا خدا به شما علم بیاموزد و خدا به همه چیز داناست.

۱۵. سورهٔ بقره، ایهٔ ۲۲۸.

۱۶. ناگوارترین چیز نزد من طلاق است.